

بسمه تعالی

عنوان مقاله

مرزبندی امام حق و باطل در سیره و کلام حضرت زهرا (سلام الله علیها)

پژوهشگر:

راضیه میرعنایت

سال پژوهش:

۹۵-۹۴

استاد راهنما

حجت الاسلام آقای اسفندیاری

چکیده مقاله

قول، فعل و تقریرات حضرت زهرا (سلام الله علیہا) به عنوان شخصیت و بانوی نمونه اسلام ملاک عمل و نظر محسوب می‌شود و حجیت دینی دارد و از جمله اقوال و سخنان استوار و قدسی آن حضرت در دفاع از دین خدا و وصی بلافصل حضرت پیامبر (صلی الله علیہ و آله و سلم) است که به عنوان نخستین باورهای شیعی مورد تأیید اهل بیت پیامبر (صلی الله علیہ و آله و سلم) واقع شده و توسط آنان تکمیل و به عنوان بخشی از عقاید شیعه در آمده است. در واقع مسأله جانشینی پیامبر (صلی الله علیہ و آله و سلم) ادله اثبات امامت امیرالمومتان (علیہ السلام) و امامت امامان شیعه، ویژگی‌های امام، فلسفه امامت و امامت امام دوازدهم از رئوس سخنان گهربار آن حضرت به شمار می‌رود. این سخنان و تعالیم ارزشمند منظومه سیاسی و اعتقادی را ترسیم می‌نماید که می‌تواند بیانگر بسیاری از باورها و خطوط فکری شیعه بوده و ملاک نظر و عمل متبوعان قرار گیرد.

فهرست مطالب:

- ۱- اهمیت امامت
- ۲- امام «حق» و «باطل» از منظر قران و روایات
- ۳- تبیین صفات امام حق در بیان حضرت زهرا (سلام الله علیہا)
- ۴- تاکید بر مصداق حق با عنوان کمالات حضرت علی (علیہ السلام) در خطبه فدکیه
- ۵- جانشینی پیامبر (صلی الله علیہ و آله و سلم) از منظر حضرت زهرا (سلام الله علیہا علیہا)
- ۶- معرفی صفات و مصداق امام باطل در خطبه فدکیه
- ۷- مرز بندی امام حق و باطل در سیره ی عملی حضرت زهرا (سلام الله علیہا)
(مخالفت با خلفاء)

مقدمه

در این مقاله ضمن توجه و بررسی در سیره و کلام حضرت فاطمه(سلام الله علیها) پژوهشی در زمینه‌ی تفکیک «امام حق» از «امام باطل» و توجه به ذکر ویژگی‌ها و صفات هرکدام انجام گرفت که با ارائه‌ی هفت بخش با بیان موضوعات مرتبط تا حدودی مرز بندی بین این دو انجام گرفت.

در بخش اول بعد از ارائه‌ی مقدمه اهمیت امامت را مطرح کرده و به این نکته‌ی کلیدی اشاره شد که «ولايت» نشانه و سایه‌ی توحید است؛ به این معنا که اگر امامت اهل بیت و ولایت ایشان را نپذیریم نمی‌توانیم خود را مومن قلمداد کنیم، به خاطر اینکه امامت از مهم ترین اصول اعتقادی مکتب تشیع می‌باشد. در همین راستا پاره‌ای از اندیشه‌های «ولايتی» نخستین بار توسط حضرت فاطمه (سلام الله علیها) مطرح می‌شود.

در بخش دوم با ارائه‌ی چند آیه و روایت به معرفی امام «حق» و «باطل» همراه با ذکر صفات و ویژگی‌های آن ها پرداخته شد و از قول امام صادق (علیه السلام) نقل شد که: «امام حق امر خداوند را بر امر خود مقدر می‌دارد و هدایت مردم را به عهده می‌گیرد و مومنین و انسان‌ها را به بهشت رهنمون می‌کند ولی امام باطل، فرمان خود را بر فرمان حق مقدر می‌کند و موجبات عذاب خود و گروندگان خویش را فراهم می‌کند.

در بخش سوم به ذکر و تبیین صفات امام حق از بیان و اقوال حضرت زهرا (سلام الله علیها) پرداختیم.

در بخش چهارم مقاله با ذکر کمالات و ویژگی‌های حضرت علی (علیه السلام) در خطبه‌ی فدکیه، ذکر مصادق امام حق شد. از جمله‌ی این کمالات «افضليت، اجتهاد و خير خواهي و حق گرایي» حضرت ذکر گردید.

در بخش پنجم به تبیین جانشین بودن حضرت علی (علیه السلام) برای پیامبر با توجه به خطبه‌ی فدکیه و سخنرانی‌های حضرت در پس شکل گیری سقيفه بنی ساعده در دفاع از امير المؤمنين (علیه السلام) عنوان شد.

در بخش ششم به معرفی صفات امام باطل توسط حضرت زهرا اشاره کردیم از آن جمله: عهد شکنی نسبت به پیامبر، فراموش کردن قرآن، اطاعت از هواي نفشه و شيطان نيز می‌باشد.

در بخش پایانی نیز به چگونگی سیره‌ی عملی حضرت زهرا (سلام الله علیها) در دفاع از مقام «ولایت و امامت» امیرالمؤمنین علی علیه السلام پرداختیم، از رفتن به در خانه‌ی انصار و سخنرانی و مجاجه کردن با خلفا در مسجد پیغمبر و وصیت به دفن شبانه و قبر مخفی که با عنوان ذکر مصادیق عملی سیره‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) بود.

۱- اهمیت امامت:

اساسی‌ترین محور اندیشه دینی مکتب تشیع، توحید و ولایت است که بخشی از سخنان حضرت فاطمه (سلام الله علیها) را به خود اختصاص داده است. سپس ارتباط آن دو با هم بیان و بر آن تأکید شده است. طرح مسأله توحید در سخنان آن حضرت برای دفاع از ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و ارتباط این دو به جهت این است که ولایت نشانه و سایه توحید است؛ به این معنا که ولایت یعنی حکومت و حکومت در جامعه اسلامی متعلق به خداست و از خداوند متعال به پیامبر و از ایشان به ولی مؤمنین می‌رسد. (۱) در روایتی از امام باقر (علیه السلام) چنین آمده: «اما لو أن قام ليله و سام نهاره و تصدق بجميع ما له و حج جميع دهره ولم يعرف ولاية ولی الله فتوا اليه و يكون جميع الجھالة بدلalte اليه ما كان على - عز وجل حق فى ثوابه و ما كان من أهل الایمان.» (۲) ولایت مهم‌تر از سایر احکام دینی می‌باشد و اگر ولایت اهل بیت و امامت آنان نباشد، انسان نمی‌تواند اهل ایمان باشد. از این رو مسأله ولایت و امامت از مهم‌ترین و اصیل‌ترین مباحث زیر بنای عقیدتی اسلامی در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است؛ با این تفاوت که امامت در نظر امامیه از مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصول اعتقادی مکتب تشیع است. و بنابر نظر برخی اهل سنت از فروع این است، لذا علمای شیعی امامت را شامل ریاست عمومی که در بردارنده امور دینی و دنیایی می‌شود، تعریف نموده‌اند. (۳) به عبارت دیگر امامت در باطن نوعی ولایت بر انسان و اعمال اوست، و در ظاهر علاوه بر هدایت انسان و نشان دادن راه تا مقصد نهایی همراهی کردن انسان است. (۴) و امامت تعیینی از ناحیه خدا به واسطه پیامبر است. لذا هنگامی که حضرت زهرا از برگرداندن خلافت به مسیر اصلی نالمی‌شد فرمود: «و لبئس ماناولتم عنه و بيلا» به بد تأویلی افتادید عاقبت این کار وخیم است، (۵) سپس با استناد به آیه شریفه «و خسر هنالك المبطلون...» (۶) کار آنان را مصدق زیانکاران و روندگان راه باطل دانست.

بنابراین با توجه به امامت، رسالت خاتمه یافت ولی هدایت ادامه دارد. و امامت ادامه رسالت است. لذا شیعیان بر این باور هستند که امامت از طریق پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) منصوص بوده و امامت از نسل علی (علیه السلام) و فاطمه (سلام الله علیها) البته مباحث امامت از عصر نبوت مطرح بوده است؛ چنانکه صاحب

مناقب نقل کرده: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فاطمه را ناراحت دید و علت را پرسید؟ حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود عایشه بر مادرم فخر فروشی می‌کند و می‌گوید او پیرزن بود. و حضرت رسول با او ازدواج کرد. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مادر شایسته این است که امامت اهل امت از دامن او باشد «ان بطن امکَ کان لِإِمامَة» (۷) در روایت دیگری رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «... و الائمه من ولدها امناء ربی و حبله الممدود من اعتصم بها نجا و من تخلف عنهم هوی. «امامان از فرزندان فاطمه. امین خداوند متعال و ریسمان کشیده‌ای هستند هر که به آنان تمسک جوید نجات می‌یابد و هر که از آنان تخلف نماید هلاک می‌شود. (۸) روایت به این از مضمون نیز از حضرت فاطمه (سلام الله علیها) وارد شده است. (۹)

بنابراین بنیادهای نخستین امامت را رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بنا نهاد اما اساسی آن را بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به صورتی که در مكتب تشیع است نخستین بار حضرت زهرا (سلام علیها) مطرح کرد.

گرچه مسلم است که، آموخته‌های این بانوی بزرگ اسلام هر چه بود از دامن رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برخواسته بود و بعد از ایشان امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فرزندانش نیز که آموخته‌هایش جزء تعالیم رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) نبود، و همان تعالیم خطوط فکری شیعه را در سطوح وسیع تری ترسیم کردند.

شایان ذکر است که با مروری بر خطبه حضرت زهرا (سلام الله علیها) روشن می‌شود که کسانی که اصل امامت را به نص ثابت می‌دانند و آن را از اصول دین می‌شمارند بسیاری از رویکردها و مبانی آنان در مسایل حکومتی تغییر پیدا می‌کند و رابطه امام با امت رابطه امام با کتاب خدا و ... تعریفی دیگر می‌یابد که اگر امامت را از فروع دین و به انتخاب مردم بدایم چنین رابطه‌ای بین آنها بوجود نمی‌آید. با مروری کوتاه بر خطب و سخنان باقی مانده از «دختر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) خواهیم دانست که پاره‌ای از اندیشه‌های فکری سیاسی شیعه نخستین بار توسط حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مطرح شده است با اینکه عمر آن حضرت کوتاه بود و در طی آن مدت، زمینه مناسبی برای نشان دادن آثار و تفکرات خویش نداشت اما در همین مدت کوتاه بعد از رحلت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) با همه تألمات روحی که داشت در سخنانی که از ایشان مانده است معارف عمیق و والایی نهفته است که جزء نهج‌البلاغه هم سنگی برای آن نمی‌توان یافت. (۱۰)

۲- امام «حق» و «باطل» از منظر قران و روایات

از منظر قرآن، دو گونه «امام» داریم: امامی که پیشوای مومنین در مسیر هدایت است چنانکه در سوره «انبیاء» درباره گروهی از پیامبران چنین آمده. «وجعلناهم ائمه يهدون بامرنا و اوجب اليهم فعل الخيرات و اقام الصلوة و ايتاء الرکوة و كانوا لنا عابدين» (آنها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند و انجام کارهای نیک و به پا داشتن نماز و زکات آنها را وحی کردیم و آنها تنها مرا پرستش می‌کردند. (۱۱) اینها امامانی بودند که با برنامه‌هایی؛ زیرا توحید خالص و دعوت به خیر و نیکی و حق و عدالت؛ متن برنامه‌های آنها را تشکیل می‌داد، اینها امامان نورند که خط آنها در سلسله انبیاء یکی بعد از دیگری و اوصیاء پیامبر خاتم تدوام یافته، و اما در مقابل گروهی که رهبران ضلال و گمراهی هستند و به تعبیر آیات «ائمه نارند» و در روز رستاخیز که صفوف از هم مشخص می‌شوند، هر گروهی به دنبال امامشان هستند. «يوم ندعوا كل اناس بامامهم» (آن روز روزی است که هر گروهی را به نام امامشان دعوت می‌کنیم). (۱۲) از بشرین غالب از امام «ابوعبدالله الحسین» چنین نقل کرده‌اند که از تفسیر «يوم ندعوا كل اناس بامامهم؛ از آن حضرت پرسیدم؟ فرمود: امام دعوت به «هدایت» می‌کند و گروهی اجابت می‌کنند و امامی دعوت به «ضلالت» و گروهی دعوتش را پذیرا می‌شوند. آنها در بهشتند و اینها در دوزخ و این است معنی «و فريق فى الجنه و فريق فى السعير» (۱۳) و از دیگر ویژگیهای امامان با توجه به این آیه «وجعلناهم ائمه يهدون بامرنا لما صبروا و كانوا بآياتنا يوقنون» (و از آنها امام و پیشوایانی برگزیدیم که به فرمان ما «مردم» را هدایت می‌کردند؛ اینها شکیبایانی بودند و به آیات ما یقین داشتند) (۱۴) و بر طبق این آیه «وجعلناهم ائمه يدعون الى النار و يوم القيمة لاينصرون» (اما آنها را پیشوایانی قرار دادیم که دعوت به آتش دوزخ می‌کنند و در روز رستاخیز یاوری نخواهند شد) (۱۵) این آیه در مورد داستان «فرعون» و عاقبت و سرانجام او و گروندگان اوست. چنانکه خداوند کسانی را پیشوایان باطل قرار می‌دهد. و این پیشوایان سر دسته دوزخیان هستند و هنگامیکه گروهی از دوزخیان به سوی آتش حرکت می‌کنند با آنها در پیشاپیش ایشان در حرکت هستند. همانگونه که در این جهان ائمه «ضلال» بودند در آن دنیا نیز پیشوایان دوزخند.

و از نظر امام صادق «عليه السلام» و امامان حق؛ امامانی هستند که به امر خداوند، هدایت را بر عهده می‌گیرند، امر خداوند را بر امر خودشان مقدم می‌شمارند و حکم و اوامر او را برتر از حاکم قرار می‌دهند و امامانی که دعوت به سوی آتش می‌کنند فرمان خود را بر امر و فرمان حق مقدم می‌دارند و حکم خود را قبل از حکم الهی قرار می‌دهند و بر طبق هوا نفس خویش و بر ضد کتاب خدا عمل می‌نمایند (۱۶).

۳- تبیین صفات امام حق در بیان حضرت زهرا (سلام الله علیہما)

الف. سبقت در اسلام و فدایکاری:

حضرت فاطمه (سلام ا... علیها) برای بیان برتری امام علی (علیه السلام) و لازم الاتباع بودن ایشان به سابقه فدایکاری حضرت اشاره کرده می‌فرماید: «کلمواقدوا ناراً للهرب... قذف اخاهما في لهواتها» (هر گاه ایشان آتش جنگ را روشن می‌کردند یا گمراهی سر بر می‌داشت یا مشرکی دهان به بیهوده‌گویی می‌گشود آنگاه، اگر علی برادرش را در کام آنان می‌انداخت علی (علیه السلام) باز بر نمی‌گشت تا سر وقت مخالفان می‌نواخت و شعله آتش آنان را با شمشیر خود خاموش می‌کرد.) (۱۷)

البته سبقت در اسلام بعدها نیز به عنوان یک مفهوم سیاسی مورد توجه دیگران قرار گرفت به طوری که خلفای اولیه به مشروعيت خلافت سیاسی خویش به آن استدلال کردند. (۱۸) که البته حضرت زهرا (سلام ا... علیها) سبقت و فدایکاری در دین را با ظرافت تمام در خطبه بیان کرده و می‌فرماید: هر گاه شاخ شیطان ظاهر می‌شد، یعنی وقت توطئه علیه اسلام پدیدار می‌گشت و مشرکین علیه اسلام وارد میدان می‌شدند و آتش جنگ بر افروخته می‌شد. پدرم، برادرش علی (علیه السلام) را وارد حوادث می‌کرد و الا شما که همواره خودتان را از حوادث دور نگاه می‌داشتند و فقط علی (علیه السلام) بود که به میدان‌های سخت می‌رفت و تاریخ گواه بر این مطلب است. و علی (علیه السلام) نیز از میدان باز نمی‌گشت مگر وقتی که گوشهای آنها را زیر پا له و شعله فتنه آنها را با شمشیرش خاموش کرده بود.

ب. قرابت و خویشاوندی با رسول خدا

از دیگر ویژگی‌های امام، قرابت با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. از آن جهت که امام و جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بایستی تحت ناظارت مستقیم پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و در پرتو آین الهی تربیت شود. خداوند جانشینان حضرت را از بین اقربا و خویشاوندان وی برمی‌گزیند. البته انتخاب جانشین از خویشاوندان توسط انبیای گذشته نیز بوده است. (۱۹) علاوه بر اینکه در قرآن به اقربای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) عنایت ویژه‌ای شده است. حضرت زهرا (س) در این باره فرمود: «ایها الناس اعلموا انى فاطمه و ابى محمد ... و ابى دون نساءكم و اخا ابن عمى دون رجالكم» حضرت در این سخنان ضمن اشاره به اخوت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) و امام علی (علیه السلام) بر قرابت بین این دو اشاره کرد و این قرابت را مایه‌ی عزت امام علی (علیه السلام) می‌داند. «و لنعم المعزى اليه» چه سعادتمند است کسی که به رسول خدا نسبت داده می‌شود. (۲۰) از موارد دیگری که به قرابت معروف می‌شود و مورد تأکید آن حضرت بود، و نیز امروز جزء باورهای مهم شیعه است و نخستین بار در کلمات ایشان سهم «ذوی القربی» است و به

تصریح قرآن کریم ذوی القربی همان اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند و از اموال مسلمانان حق دارند.

حضرت فاطمه (س) نیز در مقام احتجاج با قریش در چند جای خطبه به قرابت خویش و امام علی (علیه السلام) تاکید می کرد و فرمود: «یا ایها الناس اعلمونا اینی فاطمه و ابی محمد» و در جای دیگر فرمود: «اما کان رسول الله انی یقول المرء يحفظوا المرء فی ولده» بنابراین، یکی از ویژگی های امام در منظر حضرت زهرا (س) پیوند با رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است که در ادعای اهل سقیفه مورد غفلت قرار نگرفت اما در مصدق مغالطه شد.

پ. نصب و تنصیص

حضرت زهرا (س) در بخشی از خطبه‌ی فدکیه «نصب امامت» را به عهد الهی تعبیر می فرماید «لله منکم عهد قدمه الیکم و بقیه استخلفها علیکم» (برای خداوند در بین شما عهد و پیمانی است که آن را سابقاً به شما گفته اند و برای خداوند میان شما یادگاری است که خداوند آن را خلیفه شما قرار داده است). «عهد» به معنای وصیت و سفارش است. «بقیه» آن چیزی است که شخص بعد از خود در عهدهش باقی می گذارد ولی این‌ها دو چیز هستند اما در اینجا احتمال اظهار این است که این پیمان و عهد مربوط به عترت است و به مساله‌ی ولایت امام علی (علیه السلام) اشاره دارد. و اگر منظور از عهد «كتاب الهی» هم باشد که در این صورت در کتاب خدا آیات متعددی مردم را به عترت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) سفارش و راهنمایی کرده. «اطیعو الله و اطیعو الرسول و اولی الامر منکم» که مراد از «اولی الامر» ائمه معمومین هستند. (۲۱)

و در جای دیگری در مورد انتصاب خداوند می فرماید: «فَلِمَا اخْتَارَهُ اللَّهُ لَنْبِيَّهُ دَارَ الْأَبْيَاءِ وَ مَاوِيَ اَصْفَيَائِهِ، ظَهَرَ مَنْكُمْ حَسْكَةُ النَّفَاقِ، وَ سَمِلَ جَلْبَابُ الدِّينِ» (زمانی که خداوند برای پیامبرش منزلگاه انبیا و جایگاه برگزیدگانش را برگزید، تیرهای نفاق در میان شما ظاهر شد و لباس دین و معنویت فرسوده شد). شما بعد از اینکه پیامبر از دنیا رحلت کرد، به جای اینکه با هم متحد باشید و به وصیت‌ها و سفارش‌های آن حضرت عمل کنید، نفاق و دورویی در میان شما ظاهر شد و به تعبیر «حسکه» یعنی خار نفاق مانند تیری بر اهل حق فرود آمد و لباس دین را مانند لباسی که کهنه شده بود، در آوردید. (۲۲)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در بخشی از سخنان خود در جمع انصار فرمود: «وَ تَالَّهُ لَوْ مَالُوا عَنِ الْمَحْجَةِ الْلَّائِحَةِ وَ تَكَافَوْا عَنْ زِمَانِ نَبِرِهِ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه و آله و سلم) وَ زَالُوا عَنْ قَبْوِ الْحَجَةِ الْوَاضِحَةِ لِرَدِّهِ إِلَيْهَا وَ حَمْلَهُمْ عَلَيْهَا وَ لَسَارُوهُمْ...» (به خدا سوگند اگر پای در میان می نهادند و علی را بر کاری به عهده‌ی او

نهاد می گذارد، آسان آسان ایشان را به راه راست می برد و حق هر یک را به او می سپرد چنانکه کسی زیان نبیند). و در بخش دیگری فرمود: «و قد اوصاکم رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) بآبنائنا و هو و تنار تمسک بنا» (۲۳) حضرت براساس تنصیصی بودن ولایت امام علی (علیه السلام) خلافت که زاده شده سقیفه بود را آشکار نمود و چنان طوری که حضرت پیش بینی کرده بود، خلافت به سلطنت و به خود کامگی منجر شد.

ت. وصایت و وراثت

نخستین بار در کلمات نورانی حضرت زهرا (س) به آن تاکید و عدول از آن خیانت به اهل بیت محسوب می شود. حضرت در این باره فرمودند: «فقد النبی و ظلم الوصی» (۲۴) (رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از میان ما رفت و نسبت به وصی او ظلم شد) و حضرت در جای دیگر حدیث پیامبر در مورد حضرت علی (علیه السلام) را چنین بازگو نمود: «علی خیری اخلفه منکم هوالامام و الخليفة بعدی» (علی بهترین کسی است که وی را جانشین خود در میان شما نهادم).

ث. عصمت

اما آنچه در مورد عصمت اهل بیت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) از زبان فاطمه (س) در احتجاج با مسلمانان و خلیفه آمده چنین است: «...اذهب رجس عنهم و طهرهم تطهیرا لانهم معصومون من کل سوء مظہرون من کل فاحشة.» (۲۵) و تمسک به آیه تطهیر (احزاب ۳۳) برای عصمت ائمه اطهار (علیهم السلام) از مهمترین ادله نزد شیعه است. (۲۶)

۴ - تاکید بر مصداق حق با عنوان کمالات حضرت علی (علیه السلام)

در خطبه فدکیه حضرت فاطمه (سلام ا...علیها) در مقام دفاع از مقام ولایت کمالات حضرت علی (علیه السلام) را در خطبه‌ای که در مسجد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) پس از رحلت پدر بزرگواریشان ایراد نمودند، یادآوری می‌نمایند.

«اخا ابن عمی دون رجالکم و لنعم المعزی اليه» چقدر زیبا بدون اینکه اسم علی (علیه السلام) را ببرد می گوید: پیغمبر خدا پسر عمومی من است بدین ترتیب به ماجرای عقد اخوت اشاره می کند. همه می دانستند که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از ورود به مدینه بین مهاجرین و انصار عقد اخوت و برادری بستند، و طرف عقد اخوت خودشان را حضرت علی (علیه السلام) قرار داد. این یک اخوت حساب شده و معنوی بود. حضرت در

همین جا به افضلیت امیرالمؤمنین نسبت به همه‌ی مردان آن زمان اشاره می‌کند (و چه سعادتمند است کسی که به او نسبت داده شود) یعنی کسی که نسبت معنوی و روحی با پیامبر داشته باشد سعادتمند می‌باشد.^(۲۷)

«مکدودا فی ذات الله، مجتهاذا فی امرالله» حضرت امیر (علیه السلام) در راه دین خدا و برای خدا، پذیرای هر سختی و فشار بود و مقاومت می‌کرد. «قریباً من رسول ا... سیدانی اولیاء ا...» نزدیکی آن حضرت، پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) هم از لحاظ ظاهری، و بزرگواری آن حضرت در بین اولیای خدا نیز واضح است. «مستمراً ناصحاً، مجدًا كالها» (یعنی آن حضرت به فکر خود نبوده بلکه خیر خواه جامعه و اهل نصیحت و عمل بود و دائمآ در تلاش و انجام عمل صالح بود) «لا تاخذه في الله لومةً لائم» هر چه را حق می‌دید در دفاع از آن به خاطر سرزنش و حرف این و آن کوتاهی نمی‌کرد. و تحت تأثیر جو حاکم و شرایط متغیر جامعه قرار نمی‌گرفت و رضایت حق تعالی مکانی برای او مطرح و هدف بود.^(۲۸)

۵- جانشینی پیامبر از نظر زهرا:

حضرت زهرا (سلام ا... علیها) در خطبه فدکیه پس از ذکر ویژگی‌های قران می‌فرماید: به این قران گوش فرا ندادید که اگر به قران گوش می‌کردید زود سقیفه را تشکیل نمی‌دادید و به امامت اهل بیت بی‌توجهی و خلیفه را خودتان انتخاب نمی‌کردید.^(۲۹) توجه حضرت فاطمه (سلام ا... علیها) در درجه نخست به مسأله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) است و هم دین و رستگاری مسلمانان را با آن مرتبط می‌داند. مسأله جانشینی پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مهم‌ترین اصل اعتقادی شیعه است و نقش محوری در باور شیعیان دارد. حضرت فاطمه زهرا (سلام ا... علیها) امامت را مختص به خاندان پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌داند و در رأس آنان حق علی (علیه السلام) می‌داند، و توجه به توحید و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را مقدم این امر می‌شمارد. بنابراین در تفکر حضرت زهرا (سلام ا... علیها) جانشینی پیامبر از مسائل ضروری دین است. و این نگاه به امامت در پس شکل گیری سقیفه بنی ساعدة و نخستین بار در کلمات حضرت زهرا (سلام ا... علیها) آمده است. طرح مسئله‌ی معاد و معارف قرانی در خطبه‌ای که دفاع از امامت است، نمی‌تواند بی ارتباط با امام باشد. «علم و عصمت» امام سبب می‌شود وی آشنا به هر دو نشئه‌ی طبیعت و آخرت و محفوظ از خطبا باشد و نقش محوری در هدایت انسان‌ها را دارد. بنابراین امامت با معاد نیز مرتبط است. حضرت در این خطبه که بعد از سقیفه بنی ساعدة به بھانه‌ی غصب فدک در مسجد مدینه به دفاع از حضرت علی (علیه السلام) خواند، بین افکاری که سقیفه را بوجود آورد و تفکر اهل بیت (علیهم السلام) که به تنها به سلامت دین می‌اندیشیدند؛ و با انحرافاتی که در اصول سیاسی اسلام ایجاد شده بود به مبارزه برخواست و امامت را که

مصدقاق آن در امام علی (علیه السلام) متبلور بود؛ عهد و پیمانی از جانب خداوند متعال و رسول وی دانسته و اغراض از امامت اهل بیت را از نخستین نشانه های انحراف در جامعه ای اسلامی قلمداد کرده است. لذا در وصیت نامه ای خود فرمود: «لاتصلی علی امة نقضت عهده اللہ و عهد ابی رسول اللہ فی امیر المؤمنین علی ...» حضرت علاوه بر تعیین جایگاه امامت پیش بینی می کرد که اگر نظام تثبیت شده ای الهی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) که با مجاهدت هایی شایعه ای ایشان پی ریزی شده بود امروز به سود عده ای تغییر پیدا کند. و روش عادلانه او به سیرت جاھلی برمی گردد همچنین زمام داری خاص گروه هایی می شود که در جاھلیت ادب سلطه ای سیاسی یا مهتری مالی داشتند.

حضرت زهرا (سلام الله عليها) به عنوان نمونه عالی و منحصر به فرد زن مسلمان و دختر رسول خدا اولین کسی بود که به دفاع از علی (علیه السلام) در مقابل تصمیم سقیفه بنی ساعده برخواست و معتقد بود که اهل سقیفه به بیراه رفتند. و آنچه مورد نفاق می شود امامت اهل بیت است لذا ضمن تقبیه کار سقیفه اصول فکری؛ اعتقادی؛ سیاسی؛ و اجتماعی، امامت را بیان کرد تا مسلمانان را گرد محور امامت اهل بیت (علیهم السلام) جمع کند.

حضرت تأکید داشت که حاکمیت حق کسانی است که دین انان را به رسمیت شناخته و بیان کرده است. حضرت زهرا (سلام الله عليها) وقتی از جمع کردن مسلمانان حول محور اهل بیت (علیهم السلام) نا امید شد؛ موضع سریع و آشکار خود را در مقابل اقدام سقیفه آشکار کرد.

عده ای نیز به پیروی از آن حضرت به مخالفت ابوبکر برخواستند و در خانه ای او جمع شدند.^(۳۰) وقتی از این اقدامات هم نا امید شد فرمود: «به خداسوگند بعد از هر نمازی شما را نفرین خواهم کرد.»^(۳۱)

حضرت پس از نا امیدی از کمک انصار در جمع آنان نسبت به کدورت مردم به حضرت علی (ع) فرمود: «چه باعث شد با علی (علیه السلام) کینه توزی نمایید و انتقام گیرید؟ چون سوزش تیغ او را کشیدید و پایداری او را دیدید و او نسبت به مرگ بی اعتنا بود.»^(۳۲) (۳۳)

۶- معرفی صفات و مصدقاق امام باطل در خطبه فدکیه

حضرت فاطمه (سلام ا...علیها) با اشاره به جریان سقیفه با بیانی مستدل به بطلان خلافت ائمه باطل می پردازد.

«ثم لا تلبثوا الا ان تسکن نقرتها» (شما درنگ نکردید مگر مقداری که چموشی خلافت رام شود، این خلافت مثل مرکبی که ابتدا رام کسی نمی شود و چموشی دارد دارای چموشی ای بود و آن چموشی همان مخالفت

هایی است که در سقیفه روی داد) یعنی این مرکب به شما تن نمی داد اما شما صبر نکردید و بدون معطلی و با عجله با اینکه برخی از مهاجرین و انصار و اهل بیت مخالف بودند بر سوار شدن بر این مرکب مصمم شدید).

«و تستجيبون لهاتف الشیطان القوى»(و به ندای شیطان گمراه کننده پاسخ مثبت دادید) یعنی حرکت شما در سقیفه یک حرکت شیطانی و از سر هوا نفس بود شما قدرت طلب و ریاست طلب بودید و از شیطان دنیا به روی کردید. کار شما به هیچ وجه بر مدار حق طلبی نبود.«و اطفاء انوارالدین الجلى و اهتماد السنن النبى الصفى»

(کار شیطانی شما خاموش کردن نور دین خدا بود؛ یعنی شما معیارهای قرآن و همه‌ی آنچه فرموده بود را کنار گذاشتید و قرآن و سنت را رها کردید و با غصب خلافت به از بین بردن انوار دین و آثار پیغمبر کردید)

«و من ينقلب على عقبيه فلن يضروا الله شيئاً و سيجزي الله الشاكرين»(و هر کس به گذشته‌ی خود برگردد و از دین خارج شود هرگز زیانی به خداوند نیاورد و به زودی خداوند پاداش سپاسگزاران را خواهد داد)(۳۴)

«واحشتمكم فا لفاكم غضايا»(شیطان آتش خشم شما را شعله‌ور کرد. پس یافت شما را خشمگین و عصبانی شیطان دانست که شما در دل دشمن با علی (علیه السلام) داشتید و قصد انتقام دارید و این کینه نسل به نسل در دلهای خبیث شما منتقل شده بود و شما را در چنین پایگاهی قرار داد و تحریکتان کرد. «فوستم غير ابلکم»(پس داغ به شتر دیگران نهادید) حضرت می‌فرماید. شما مشغول داغ کردن غیر شترهای خودتان شدید کنایه از اینکه خلافت مال شما نبود شما به حریم خلافت و امامت تجاوز کردید و از حدود خود فراتر رفتید. «وغير شربكم و [مشربكم]»(و غیر آبخور خود وارد شدید) و در محلی برای آب خوردن وارد شدید که جای آب خوردن شما نبود حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌خواهد بگوید امر تعیین خلیفه مسلمین کاری نبود که در شأن شما باشد که در آن وارد شوید کار شما نیست که امام و خلیفه تعیین کنید رسالت و امامت امرالله‌ی است و نصب الهی لازم دارد. و به شما ربطی نداشت که بروید و در جایی بنشینید و خلیفه تعیین کنید این کار شما پاسخ به دعوت شیطان بود و شما به دلیل کینه‌هایتان و توحالی بودنتان مطیع او شدید. «هذا و العهد قريب»(و این در حالی است که دیدار شما با پیامبر تازه است). و این در حالی بود که هنوز خیلی وقت نگذشته از آن روز که پدرم به شما گفت: من کنت مولا فهذا علی مولا، گویی حضرت می‌گوید ای عهد شکنان و سست پیمانان. شما خود بعد از غدیر خم به علی (علیه السلام) تبریک گفتید. (۳۵) «ولبس ما ناولتم»(چه بد تاویل و توجیهی کردید). عاقبت و نتیجه کارتان این شد که به نام اسلام و قرآن علیه مجسمه اسلام و عدالت توطئه کنید و اسلام را از مسیر اصلی اش منحرف کنید. (۳۶)

و در نهایت حضرت فاطمه زهرا(سلام الله علیها) عاقب و آثار اخروی این توطئه را بیان می کند: «موصوله بنارالله الموقده الی تطلع علی الافئده»(غصب خلافت هم در دنیا موجب بی آبرویی شما می شود و هم در آخرت موجب گرفتار شدن و عذاب آخرتی خواهد شد). (۳۷)

۷- مرزبندی امام حق و باطل در سیره عملی حضرت زهرا (س) (مخالفت با خلفاء)

حضرت علی (علیه السلام) شبها حضرت زهرا (سلام ا...علیها) را بر چهار پایی سوار می کرد. و بر در خانه انصار می رفتند و از آنها یاری می طلبیدند، آنها می گفتند. ای دختر رسول خدا کار از کار گذشته است ما با این مرد بیعت کرده‌ایم اگر همسر و پسر عمومی تو پیش از این مرد نزد می آمد و از ما بیعت می خواست کسی غیر از او را انتخاب نمی کردیم. توجیه را ببینید چون ابوبکر پیشنهاد بیعت کرد. مردم مدینه از مهاجر و انصار با او بیعت کردند و نپرسیدند که چرا ابوبکر باید جانشین پیامبر شود پس آن همه آیات و بیانات که در شأن امیرالمؤمنین و آن همه توصیه‌ها و سفارش‌های پیامبر اسلام در مورد خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) چه شد. علاوه بر آن چرا مقام حضرت زهرا (سلام الله علیها) را نادیده گرفتید. درب شخصی حضرت زهرا (سلام الله علیها) را آتش زدند و محسن ایشان را سقط کردند. و چرا ایشان را مضروب و مصدوم و مجروح کردند و حاکمیتی که به اساس ایذاء محبوبه خدا حضرت زهرا (سلام الله علیها) آغاز شود بدون تردید به حکومت یزید و ولید و متوكل بینجامد. حضرت زهرا (سلام الله علیها) در این مورد فرموده‌اند: «به خدا سوگند اگر می گذاشتند حق در جای خدا استمرار یابد. و هیچگاه دو نفر درباره خدا اختلاف پیدا نمی کردند. گذشتگان از گذشتگان و زندگان یعنی یکی بعد از دیگری به ارث می برندند تا اینکه قائم ماکه نهمین نفر از فرزندان حسین (علیه السلام) است قیام کند .

ابن قتبیه دینوری از علمای مشهور اهل تسنن متوفای سال ۲۷۶ هجری می نویسد: «عمر به ابوبکر گفت بیا برویم نزد فاطمه چون ما او را به خشم در آوردیم. با یکدیگر به منزل آن حضرت رفتند و اجازه خواستند که بر آن حضرت وارد شوند. حضرت اجازه نداد. نزد حضرت علی رفتند و با او صحبت کردند آن حضرت آن دو را به حضور حضرت زهرا (سلام الله علیها) برد هنگامی که روبروی آن حضرت نشسته حضرت زهرا روی خود را به طرف دیوار برگردانید. آنان به حضرت سلام کردند. جواب سلام آنان را نداد. ابوبکر در به سخن گشود و گفت: ای حبیبه رسول خدا به خدا سوگند که خویشاوندان رسول خدا از خویشاوندان من نزد من محبوب‌تر می باشند و تو نیز در نزد من از عایشه محبوب‌تری. دوست می داشتم که روز رحلت پدرت من نیز از دنیا می رفتم و بعد از او در این دنیا باقی نمی بودم. آیا شما مرا چنین آدمی می بینید که با اینکه عارف به حق شماییم و فضیلت و شرافت تو را به خوبی می دانم در عین حال حق تو را بگیرم و از میراث خدا مانع شوم. نه این چنین نیست. جز اینکه من از

پدرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شنیدم که فرمود: ما ارث نمی‌گذاریم هر چه از ما می‌ماند صدقه است. حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: آیا شما خود این چنین می‌بینید که اگر من حدیثی را از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) برایتان نقل می‌کنم که شما با آن حدیث آشنا باشید به آن عمل خواهید کرد؟ گفتند: آری. فرمود: شما را به خدا سوگند می‌دهم آیا از رسول خدا نشنیده‌اید که فرموده: خشنودی فاطمه خشنودی من و خشم فاطمه موجب خشم و غصب من است. هر کس فاطمه دخترم را دوست داشته باشد مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را خشنود و راضی سازد، مرا خشنود و راضی ساخته و هر کس فاطمه را به خشم در آورد مرا به خشم در آورده است. گفتند: آری این حدیث را از رسول خدا شنیده‌ایم فرمود: پس من، خداوند و فرشتگان را شاهد و گواه می‌گیریم که شما مرا به خشم در آوردید و راضی نساختید و هر گاه پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) را ملاقات خواهم کرد از شما به او شکایت خواهم کرد. ابوبکر گفت: من از خشم و غصب آن حضرت و خشم و غصب تو ای فاطمه به خداوند پناه می‌برم، بعد شروع به گریه کرد چنان گریست که نزدیک بود جانش به در رود. در آن لحظه حضرت زهرا فرمودند: به خدا سوگند به دنبال هر نمازی که می‌خوانم تو را نفرین می‌کنم.» ابن ابی الحدید می‌نویسد:

«مردم جمع شده و می‌نگریستند خیابان های مدینه پر از مردان شده بود. حضرت زهرا که شاهد کارهای عمر بودزجه و فریاد برآورد در حالی که عده‌ای از زنان بنی هاشم و دیگر زنان مدینه اطراف او را گرفته بودند از خانه بیرون آمد و فریاد زد. ای ابوبکر چه شتابان بر خاندان رسول خدا تاختید به خدا سوگند با عمر صحبت نخواهم کرد. تا اینکه خداوند را دیدار کنم. (۳۸) وصیت به دفن شبانه و قبر مخفی آن حضرت بیانگر این است که حضرت حتی تا لحظات پایانی عمر خویش به هر نحو ممکن پشتیبان و رساننده‌ی پیام «ولایت و امامت» بود.

پی نوشته ها:

۱. شعاعی از نبر اعظم حضرت محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، ص ۳۹۱.
۲. کافی، کلینی، جلد ۱، ص ۱۹.
۳. بحرانی، ص ۱۷۴، طوسی، ص ۲۴۸
۴. طباطبایی، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۵
۵. طبری، ج ۱، ص ۱۴۴، ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۱، ص ۴۹.

۶. غافر، آیه ۷۸.
۷. ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۱، ص ۳۸۳.
۸. مجلسی، ج ۷۶، ص ۳۵۵.
۹. حر عاملی، ج ۱۶، ص ۲۴۶.
۱۰. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، امامت در اندیشه و کلام حضرت زهرا (س) محمدی رمضان، شماره ۳۹.
۱۱. سوره انبیاء، آیه ۷۲.
۱۲. سوره اسراء، آیه ۷۱.
۱۳. امالی صدوق، نور الثقلین، ج ۳، ص ۱۹۹.
۱۴. سوره سجده، آیه ۲۴.
۱۵. سوره قصص، آیه ۴۱.
۱۶. کلینی، کافی، ج ۱، ص ۱۶۸.
۱۷. ابن طیفور، بی تا، ص ۱۳.
۱۸. ابن حنبل، بی تا، ج ۱، ص ۷۹۶.
۱۹. تفسیر سوره حیدر، آیه ۲۶.
۲۰. طبری، ج ۱، ص ۱۴۷.
۲۱. بحثی کوتاه پیرامون خطبه حضرت زهرا، آقا مجتبی تهرانی، ص ۶۹.
۲۲. همان، ص ۹۵-۹۶.
۲۳. همان، ص ۱۷.

۲۴. ابن شهر آشوب، بی تا، ج ۲، ص ۴۹.
۲۵. نجفی، ج ۸، ص ۴۲۳.
۲۶. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، امامت در اندیشه و کلام حضرت زهرا (س) محمدی رمضان، شماره ۳۹.
۲۷. بحثی کوتاه پیرامون خطبه حضرت زهرا، آقا مجتبی تهرانی، ص ۷۹-۸۱.
۲۸. شرح خطبه حضرت زهرا، منظری، ص ۱۵۳-۱۵۴.
۲۹. طبرسی، ج ۱، ص ۲۶۵.
۳۰. ابن ابی الحدید، بی تا، ج ۱، ص ۱۴.
۳۱. ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۹۵.
۳۲. ابن طیفور، بی تا، ص ۳۸.
۳۳. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، امامت در اندیشه و کلام حضرت زهرا (س) محمدی رمضان، شماره ۳۹.
۳۴. بحثی کوتاه پیرامون خطبه حضرت زهرا، آقا مجتبی تهرانی، ص ۱۰۸-۱۰۹.
۳۵. همان.
۳۶. همان.
۳۷. همان، ص ۱۵۱.
۳۸. از عرش تا عرش، تجزیه و تحلیل زندگی سیاسی حضرت زهرا (س) علی محمد بشارتی، ص ۲۷۰-۲۷۲.